

عنوان:

تحلیل معنایی فضای مقدس و فضای معنوی در خانه مسلمانان از منظر اسلام

فرونش غفاری^۱، farnooshghaffari@yahoo.com

حافظه پوردهقان^۲، hpoordehghan@qiau.ac.ir

اسماعیل شیعه^۳، es_shieh@iust.ac.ir

سید حسین نصر^۴، shnasr@gwu.edu

مهدی خاکزند^۵، mkhakzand@iust.ac.ir

^۱ دانشجوی دکتری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

^۲ استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

^۳ استاد گروه شهرسازی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران

^۴ استاد گروه مطالعات اسلامی، دانشگاه جرج واشنگتن، امریکا

^۵ دانشیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه علم و صنعت، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)

این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان "بررسی مفهوم خانه در شهر مسلمان معاصر در ایران و مقایسه آن با مبانی وحدت معنوی-فضایی ناشی از سنت اسلامی" است، که به راهنمایی نویسنده دوم و نویسنده سوم و مشاوره نویسنده چهارم و نویسنده پنجم در حال انجام است.

تحلیل معنایی فضای مقدس و فضای معنوی در خانه مسلمانان از منظر اسلام

چکیده

مفهوم تقدس فراتر از مفهوم مقدساتی است که به رسمیت شناخته شده‌اند. بسیاری از فضاهای مقدس صرفاً برای عبادت مورد استفاده قرار نمی‌گیرند، از اینرو نیاز به درک تنوع در فضاهای مقدس، از جمله از نظر نحوه استفاده از آنها وجود دارد. از دیدگاه بسیاری از ادیان و آیین‌های سنتی از جمله اسلام هیچ تفاوت ذاتی در محیط بر ساخته از جهت امر قدسی و غیر قدسی وجود ندارد؛ بدین سبب خانه می‌تواند مفهومی باشد که به مانند فضایی مقدس عمل کند. از سویی تمرکز مشترک فضای مقدس و فضای معنوی بر امر متعالی سبب گردیده، در برخی از مفاهیم ادبی این دو عبارت در کنار یا به جای یکدیگر به کار روند. این در حالی است که فضای مقدس و فضای معنوی شامل برخی مفاهیم متمایز از یکدیگر می‌باشند که این امر ما را ملزم می‌دارد در درک مفهوم تقدس در فضای خانه، جایگاه معنایی هر یک از این دو عبارت و نسبت میان آنها مورد بررسی قرار گیرد. از اینرو در این مقاله برای روشن شدن مفهوم «فضای مقدس» در خانه‌های مسلمانان به دو مساله پرداخته می‌شود، اول آنکه، اگرچه از منظر اسلام فضای مقدس مفهومی است که تنها متعلق به اماکن مذهبی نمی‌باشد اما، چه تفاوتی‌هایی می‌تواند در مفهوم فضای مقدس در اماکن مقدس مذهبی با مفهوم فضای مقدس در خانه وجود داشته باشد؟ و دوم هر چند «فضای مقدس» و «فضای معنوی» دو عبارتی است که مکمل یکدیگرند اما دارای مفاهیمی متمایز می‌باشند، لذا این سوال مطرح است که، چه نسبت مفهومی میان فضای مقدس و فضای معنوی در خانه‌های مسلمانان برقرار است؟ این مقاله دارای رویکردی کیفی و بر پایه روش تفهیمی-تاریخی می‌باشد. داده‌ها مبتنی بر مستندات، بحث‌های تفهیمی و مصاحبه و فیش برداری، گردآوری و با استفاده از استدلال استقرایی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. همچنین شواهدی در ارتباط با موضوع، مورد بررسی قرار گرفته و پس از تفسیر، نتایج تفسیرها استدلال، و در نهایت خروجی مشخصی ارائه می‌شود. نتایج این مقاله نشان می‌دهد فضای مقدس در خانه و اماکن مقدس مذهبی از مفاهیم و قوانین متفاوتی پیروی می‌کنند که بخشی از این تفاوت‌ها در «ثابت و مشروط بودن فضای مقدس»، «نسبت میان فضای مقدس و رفتار»، و «نسبت میان فضای مقدس و فضای معنوی» قابل مشاهده است. از سویی فضای مقدس و فضای معنوی در خانه دارای نوعی رابطه علی با یکدیگر می‌باشند، که در این رابطه فضای معنوی پیش زمینه فضای مقدس و فضای مقدس معلول رفتاری است که در نتیجه معنویت درون فردی تجلی می‌یابد.

واژگان کلیدی: فضای مقدس، فضای معنوی، خانه مسلمانان

۱- مقدمه

پذیرش این اصل که جوامع اسلامی و شهرهای سنتی بر اساس جهان‌بینی و باورهای اسلامی هدایت می‌شوند - اگرچه در شهرهای معاصر این تطابق جای بحث دارد - نشان می‌دهد که اماکن مقدس، به‌ویژه مسجد، نقشی مهم در هدایت و گسترش باورهای اسلامی و بازتاب آن در جامعه دارند. از منظر اسلامی، "هر مکانی در ساختار شهر اسلامی می‌تواند فضایی مقدس باشد" (Omer, 2009: 59&83). اگر خانه را نیز فضایی مقدس و به تعبیری مقیاس کوچک مسجد بدانیم، برخی پژوهش‌ها نشان داده‌اند که مفاهیم و قوانین فضای مقدس در خانه و اماکن مذهبی لزوماً از یک مسیر پیروی نمی‌کنند. از این‌رو، این پرسش مطرح است که تفاوت‌های فضای مقدس در خانه و اماکن مذهبی چیست؟

از سوی دیگر، "معنویت" واژه‌ای است که گاهی همراه یا به جای مفهوم "تقدس" به کار می‌رود، در حالی که این دو مفهوم از نظر بار معنایی تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند. اگر خانه را به‌طور کلی مفهومی مستقل از تقدس بدانیم، آنگاه این فرض می‌تواند وجود داشته باشد که مفاهیمی مانند معنویت می‌توانند در تجلی تقدس در خانه نقش داشته باشند. همچنین، تفاوت معنایی میان تقدس و معنویت این پرسش را مطرح می‌کند که آیا فضای مقدس می‌تواند فضایی معنوی باشد و بالعکس، آیا فضای معنوی، فضایی مقدس است؟ از طرفی نقطه مشترک این دو مفهوم در تأکید بر امر متعالی، مشخصاً می‌تواند به نسبت میان فضای مقدس و فضای معنوی اشاره داشته باشد و تأکیدی بر رابطه علی میان این دو مفهوم باشد.

این مقاله با فرض "خانه به‌عنوان فضایی مقدس" و با هدف درک فضای مقدس در خانه‌های مسلمانان، به تحلیل و تبیین نسبت میان فضای مقدس و فضای معنوی در خانه مسلمانان از منظر اسلام می‌پردازد؛ موضوعی که در پیشینه پژوهش کمتر مورد توجه قرار گرفته و این تحقیق درصدد بررسی آن است. برای این منظور، ابتدا تعاریف محتوایی و معنایی از واژگان "مقدس" و "معنویت" ارائه می‌شود و سپس تحلیل ساختاری فضای خانه از منظر این دو مفهوم بررسی می‌گردد. در ادامه، مفاهیم حاصل از تبیین فضای مقدس و فضای معنوی به صورت تطبیقی مقایسه شده و در نهایت، ارتباط متقابل میان شاخص‌های هر یک از این دو مفهوم و نحوه تجلی آنها در معنای خانه مسلمانان تحلیل می‌شود.

۲- پیشینه‌های بررسی موضوع

مطالعات متعددی درباره مفهوم تقدس و فضای مقدس، به‌ویژه در خانه، انجام شده است. بیشتر این پژوهش‌ها به این نتیجه اشاره دارند که تقدس محدود به اماکن مذهبی نیست و می‌تواند به فضاهایی مانند خانه نیز تعمیم یابد، دیدگاهی که از منظر اکثر ادیان از جمله اسلام تأیید می‌شود. برای نمونه، Simmins به فضای مقدس در آیین یهود اشاره دارد و معتقد است که قدوسیت مکان در یهودیت نسبی است؛ هر جا که احکام تورات رعایت شود، آن مکان مقدس خواهد بود. او همچنین تخریب معابد را دلیل اهمیت خانه‌های یهودیان به‌عنوان فضایی مقدس می‌داند (Simmins, 2011: 27-31). در آیین‌های هندو و زرتشتی نیز باور بر این است که برای شکل‌گیری درست رفتار دینی، خانه باید فضایی مقدس باشد، زیرا بیشتر آموزش دینی در خانه صورت می‌گیرد (Mazamdar, 1993: 234-239).

در اسلام، فضای مقدس تنها به اماکن مذهبی محدود نمی‌شود و می‌تواند با مفهوم خانه نیز پیوند یابد. برای مثال، Omer در پژوهش خود تحت عنوان "آموزه‌هایی از قرآن در ارتباط خانه" به اهمیت خانه از زوایای مختلف پرداخته و آن را "اولین و تأثیرگذارترین مرکز آموزش شی" و همچنین "مکانی مقدس یا عبادتگاه" می‌داند. او با تأکید بر اهمیت خانه در فرهنگ اسلامی بیان می‌کند که بهترین روش در تشخیص و درمان بیماری‌های یک جامعه، روشی است که نقش نهاد خانواده در کانون توجه قرار گیرد. به گفته او، برخی از علل اصلی انحطاط تمدن اسلامی، اگر به درستی بررسی شود، می‌تواند به نحوی به موضوع پیچیده مسکن و افول و علل آن مربوط باشد و به همین ترتیب، برخی از درمان‌های اصلی احیای تمدن اسلامی را می‌توان درست در محدوده موضوع احیای خانه اصیل اسلامی یافت. بخشی از نتایج این پژوهش نشان می‌دهد نهاد مسجد در نقش کانون توسعه جامعه و نهاد خانه در نقش کانون توسعه خانواده دو نقش مکمل یکدیگر هستند و از یکدیگر پشتیبانی می‌کنند (Omer, 2009: 59-93). در مقاله‌ای دیگر با عنوان "مفهوم فضای مقدس در معماری سنتی ترکیه"، Murat Dündar به تحلیل مفهوم "فضای مقدس" در ساختمان‌های مسکونی سنتی ترکیه پرداخته و سعی در روشن کردن بازتاب سبک زندگی و

باورهای مذهبی ساکنان در تجلی مفهوم تقدس در فضای خانه دارد. او با پرسشی درباره اینکه "چه عاملی به فضا تقدس می‌بخشد؟" عنوان می‌کند که بحث درباره مفهوم "فضای مقدس" از مفهوم «فضای زندگی» آغاز می‌شود و فضای مقدس را به عنوان فضایی مذهبی یا معنوی معرفی می‌کند، زیرا فعالیت‌های مذهبی به مکان تقدس می‌بخشند. یافته‌های تحقیق او نشان می‌دهند که تقدس به طور مستقیم قابل مشاهده نیست و نشانگر نمادینی ندارد، این موضوع در ارتباط با خصوصیات فیزیکی یک فضا نیست، بلکه معنایی است که از طریق آداب و رسوم، اعتقادات ساکنان و فعالیت‌های آیینی به مکان نسبت داده می‌شود (Dündar, 2012: 99-103). کیرانتانوت نیز میان "فضای مقدس" در خانه و "سازماندهی فضایی" آن پیوندی قائل است. او فضای مقدس را بخشی از میراث فرهنگی ناملموس می‌داند که به عنوان "میراث فرهنگی زنده" می‌تواند در شکل‌گیری معماری خانه نقش داشته و ابزار کنترل رفتارها و بازتاب‌دهنده موقعیت اجتماعی ساکنان باشد. او "مفهوم فضای مقدس و نحوه تجلی آن در سازماندهی فضایی خانه را اینگونه بیان می‌کند: "فضای مقدس در خانه، نتیجه نظام‌های فکری منتقل شده از نسلی به نسل دیگر است و در سازماندهی فضایی خانه تجلی می‌یابد. این فضا، که می‌تواند از محراب تا گوشه‌ای از اتاق را شامل شود، با آیین‌ها و تشریفات متمایز شده و نشان‌دهنده احترام به باورها و جایگاه اجتماعی اعضای خانه است" (Chiranthanut, 2020: 19-21).

برخی دیگر از مطالعات به مرزهای فیزیکی فضای مقدس در خانه‌های مسلمان پرداخته‌اند. Hendra Siwi در مقاله "حفظ پایداری اجتماعی از طریق مرزبندی فضاهای مقدس در خانه‌های مسلمانان" اشاره می‌کند که مکان مقدس در این خانه‌ها به مکان خاصی محدود نمی‌شود و اجرای مراسم دینی می‌تواند در هر مکانی به شرط رعایت شرایط فضایی خاص انجام داد که این امر به واسطه ایجاد مرز در نواحی مربوط به مناسک دینی تجلی می‌یابد (Hendra Siwi & etc, 2020: 133-143). Simmins نیز فضای مقدس را در خانه‌های مسلمانان دارای مرز می‌داند و معتقد است این مرزبندی با "فضای سجده" و "گردش کفش‌ها در مکان"، که توسط حرکت و کنش ساکنان ایجاد می‌شود، ارتباط دارد (Simmins, 2011: 8).

نتایج پژوهش‌ها درباره فضای مقدس در خانه چند مسئله را مطرح می‌کند که این مقاله به بررسی آن‌ها می‌پردازد. نخست، مرزبندی فیزیکی فضای مقدس در خانه نوعی ابهام در درک این مفهوم ایجاد می‌کند، به‌ویژه اینکه "مفهوم فضای مقدس در اسلام که مرتبط با فعالیت‌های روزمره است" (El Guindi, 1999) می‌تواند با این ادعا نقض گردد. دوم، اگر فرض بر این باشد که خانه فضایی مقدس است و می‌تواند "به عنوان فضای معنوی نیز تلقی شود" (Dündar, 2012: 99-103)، باید نسبت میان فضای مقدس و معنوی روشن شود، زیرا این دو در برخی متون مترادف دانسته می‌شوند. و در آخر، موضوع نسبت میان فضای مقدس خانه و اماکن مقدس مذهبی (خصوصاً مسجد) مطرح است؛ "اگر خانه و مسجد دو نهاد مکمل هستند" (Omer, 2009: 59-93)، باید مشخص شود چه تمایزاتی میان این دو در مفهوم فضای مقدس وجود دارد.

۳- روش بررسی

این تحقیق دارای رویکردی کیفی و براساس روش تحقیق تفهیمی-تاریخی است. جهت جمع‌آوری داده‌ها، به مطالعه و تحلیل محتوای مستندات، بحث‌های تشریحی و مصداقی و فیش‌برداری پرداخته شده است و با استفاده از استدلال استقرایی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته‌اند. همچنین در ارتباط با موضوع‌های مطرح، قراین و شواهد مربوط شناسایی و ساماندهی شده و سپس مورد ارزیابی قرار گرفته است. به این ترتیب که در بخش نخست، ابتدا داده‌ها جهت تعریفی معنایی از واژه تقدس و معنویت گردآوری شده است و سپس با هدف کاهش داده‌ها و درک بهتر، اطلاعات جمع‌آوری شده مورد طبقه‌بندی قرار گرفته‌اند. سپس به منظور تشریح داده‌های حاصل در کالبد معماری به طور مشخص به تبیین ساختار فضا از مفهوم تقدس و معنویت در خانه و ابزارها و شاخص‌های مورد نیاز آن پرداخته شده است. در گام بعد

شاخص‌های استخراج شده مورد مقایسه تطبیقی قرار گرفته و سپس با استفاده از استدلال استقرایی و در مدلی مفهومی، عملکرد متقابل میان شاخص‌ها تعیین و نسبت میان فضای مقدس و فضای معنوی در ساختار خانه مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

۴- چهارچوب نظری

۴-۱. تعریف محتوایی واژگان مقدس و معنوی

واژه "مقدس" (Sacred) و "معنوی" (spiritual) ارتباط معنایی دارند و هر دو به امر متعالی اشاره می‌کنند. "Sacred" از واژه لاتین "sacer" به معنای مقدس کردن گرفته شده است. فرهنگ لغت آکسفورد "مقدس" را به عنوان چیزی که نزد خدا عزیز یا برای مقاصد مذهبی متمایز شده باشد، تعریف می‌کند. واژه "spiritual" نیز از لاتین "spiritualis" مشتق شده است و "spirituality" معادل "spiritualitas" است (حمیدیه، ۱۳۹۶: ۸۱). شلدراک معتقد است spirit و spiritual در مقابل "تن انسانی" هستند، نه در برابر جسمانی یا مادی. این تقابل میان دو رویکرد به زندگی است (Sheldrake, 2007). با توجه به دیدگاه شلدراک، در حالی واژه مقدس به روشنی اشاره به عواملی دارد که به واسطه باورها و آیین‌ها مقدس شمرده می‌شوند (Durkheim, 1912) اما درک واژه معنوی می‌تواند دارای ابعاد متفاوتی باشد.

برخی مانند لوئیس، تاکاهاشی و کینگ اشاره کرده‌اند که معنویت مفهومی گسترده است و در میان فرهنگ‌ها و گروه‌های دینی مختلف، معانی متفاوتی دارد (Lewis, 2004; Takahashi, 2003; Roehlkepartain et al., 2006). هیل معنویت را بعدی تجربی و شخصی از رابطه با امر متعالی می‌داند (Hill et al., 2000). روف چهار عنصر معنویت را، هدفی فراتر از خود، ادراک، آگاهی درونی و انسجام شخصی معرفی می‌کند (Roof, 1999: 35). آشنایدرز معتقد است معنویت انسجامی ایجاد می‌کند که ما را به حقیقتی وسیع‌تر متصل کرده و توانایی ما را برای تعالی تقویت می‌کند (Schneiders, 1998: 11). فیلیپ شلدراک معنویت را کمکی برای رسیدن روح به ظرفیت کامل خود می‌داند (Sheldrake, 2007: 2). همه این تعاریف به بُعد شخصی رابطه فرد با امر متعالی اشاره دارند. با این حال، حمیدیه، معنویت را مستقل از دین می‌داند و تفاوت آنها را توضیح می‌دهد: دین به امر قدسی با قالب نهادی توجه دارد، در حالی که معنویت به معنا و تعالی فردی معطوف است (حمیدیه، ۱۳۹۶: ۷۹). اما سوالی که در اینجا مطرح می‌شود آن است که آیا معنویت مستقل از دین است؟ و در سنت اسلامی، این دو دارای چه نسبتی می‌باشند؟

حمیدیه درباره نسبت دین و معنویت معتقد است که عقلانیت و معنویت ریشه در فطرت انسان دارند و مستقل از دین هستند، هرچند دین می‌تواند از معنویت سرچشمه بگیرد. نلسون نیز معنویت را به عنوان رابطه شخصی با امر متعالی و جدا از دین می‌داند (Nelson, 2009). اما سید حسین نصر، معنویت را در پیوند با دین و برگرفته از قرآن و سنت می‌بیند (نصر، ۱۳۸۹). در سنت اسلامی، دین و معنویت هم‌افزا بوده و توحید، محور این رابطه است که بر جنبه‌های مذهبی و معنوی تأثیر می‌گذارد (Johnson, 2019; Mohd Amin, Ahmad, & Abdul Rahman, 2018). در جدول ۱، ابعاد مفهومی و شاخص‌های معنویت نمایش داده شده است.

جدول ۱- ابعاد مفهومی معنویت و فضای معنوی

مقوله اصلی	مقوله	رمز
	معنویت مفهومی مستقل از مفهوم دین	معنویت مفهومی مستقل از مفهوم دین (حمیدیه، ۱۳۹۶: ۷۹)
	معنویت می‌تواند دارای چهارچوب مذهبی باشد یا نباشد	معنویت جهت‌دستیابی به معنای متعالی درک می‌شود و ممکن است شامل چهارچوب‌های مذهبی باشد یا نباشد (Smith & Roeser, 2019).

معنویت الزاماً با دین در ارتباط نیست	معنویت مفهومی جدا از دین	معنای معنویت در بعد شخصی رابطه ما با امر متعالی در مقابل معنای دین در بعد اعمال و عقاید سازمان یافته است (Nelson, 2009: 8).
معنویت اسلامی ریشه در دین اسلام	معنویت اسلامی ریشه در دین	منابع دو گانه معنویت اسلامی از سویی قرآن و از دیگر سو سنت پیامبر است (نصر، ۱۳۸۹: ۱۵)
	در هم تنیدگی رابطه معنویت اسلامی و دین	معنویت در اسلام فراتر از اعمال مذهبی است و دین چارچوبی ساختار یافته برای هدایت این اعمال فراهم می‌کند (Mohd Amin, Ahmad, & Abdul Rahim, 2018).
	ارتباط معنویت اسلامی و دین بر پایه توحید	محور اصلی ارتباط میان معنویت اسلامی و دین، مفهوم توحید است که به عنوان هسته اعتقادات اسلامی، هم جنبه‌های مذهبی و هم معنوی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Mohd Amin, Ahmad, & Abdul Rahim, 2018)
	معنویت و دین دارای رابطه هم افزا	رابطه معنویت اسلامی با دین رابطه‌ای هم افزا است؛ دین ساختار ارائه می‌کند، در حالی که معنویت عمق و معنای شخصی را به آن می‌افزاید (Johnson, 2019).
معنویت بعد درونی فرد با امر متعالی	معنویت بعد شخصی فرد با امر متعالی	معنویت به معنی بعد تجربیتی و شخصی رابطه ما با امر متعالی (Hill & et al, 2000)
	معنویت نوعی آگاهی درونی جهت تعالی	معنویت شامل منبعی از ارزش‌ها برای دستیابی به تعالی، نوعی ادراک و فهم، آگاهی درونی، و انسجام و تمامیت شخصی است (Roof, 1999: 35).
	معنویت وحدتی درونی جهت تعالی	معنویت موجب وحدت درونی و تقویت توانایی ما برای تعالی شدن (Schneiders, 1998: 11).
	معنویت نوعی بصیرت جهت تعالی	معنویت هر نوع بصیرت نسبت به روح انسانی است و شامل هر آن چیزی است که به تحقق کامل ظرفیت‌های روح کمک کند (Sheldrake, 2007: 2)
	معنویت چرخش قطب نمای فکری به سوی امر متعالی	معنویت به منزله چرخش قطب‌نمای فکری، احساسی و جسمانی انسان به سوی امر فرامادی، تعالی و مقدس است (حمیدیه، ۱۳۹۶: ۷۹)

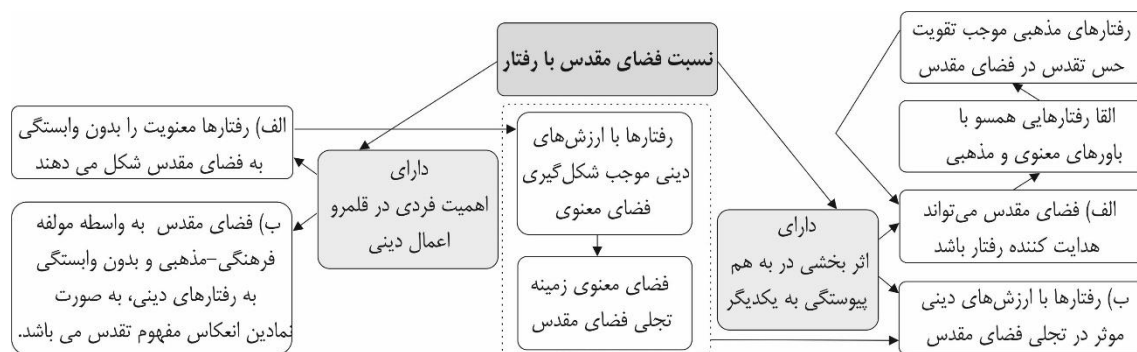
مفاهیم جدول شماره (۱) نشان می‌دهند که معنویت ثابت نیست و در فرهنگ‌ها و ادیان مختلف معانی متفاوتی دارد و ممکن است در چارچوب‌های مذهبی یا خارج از آن‌ها معنا یابد. اما درحالی که معنویت معمولاً مستقل از دین تلقی می‌شود، در اسلام معنویت و دین عمیقاً به هم پیوسته‌اند و ریشه در قرآن و سنت دارند.

۴-۲. تحلیل معنایی فضای مقدس و فضای معنوی

در بسیاری از فرهنگ‌ها، فضای معنوی معمولاً با مکان‌های فیزیکی مرتبط است و می‌تواند فضایی کالبدی یا استعاری برای پرورش تجربیات معنوی فرد فراهم کند (Eliade, 1959). بدین سبب، به نظر می‌رسد مفهوم فضای معنوی در ابعادی ایده مکان‌های فیزیکی را تداعی می‌کند. اما این سوال مطرح می‌شود که آیا فضای معنوی تنها به مرزهای فیزیکی محدود می‌شود؟ فضای معنوی لزوماً محدود به مکان‌های فیزیکی نیست و از محدودیت‌های کالبدی فراتر می‌رود و می‌تواند قلمرویی درونی، شخصی و ناملموس باشد که فرد در آن معنویت را تجربه کند (Ammerman, 2014). از سوی دیگر، "فضای مقدس" به مکانی فیزیکی اطلاق می‌شود که به عنوان مقدس و مورد احترام شناخته می‌شود و اهمیت معنوی دارد (Mazumdar, 2004). این فضاها، اغلب نمادی از امر قدسی بوده و بستری برای تقدس محسوب می‌شوند (Turner, 1969). علاوه بر مؤلفه‌های مذهبی و فرهنگی، "مناسک و آیین‌ها" و "شیوه‌های رفتاری" نیز در شکل‌گیری فضای مقدس نقش دارند؛ چنانچه مکان مقدس می‌تواند مکانی معمولی باشد که به واسطه مراسم آیینی و همچنین شیوه‌های رفتاری هویت یابد (Kong, 2001). بنابراین، رفتارها را می‌توان یکی از عوامل تقویت فضای مقدس دانست که با استمرار آداب، نشانه‌های رفتاری مبتنی بر مکان را ایجاد می‌نمایند (Binte Abdullah Sani, 2015). در نتیجه، در برخی مکان‌ها، این "رفتار" و نه ماهیت فضا است که مکان را تقدس می‌بخشد (Jones, 2020). حال اگر این فرض وجود داشته باشد که "فضای مقدس" می‌تواند معلول رفتاری باشد که در آن رخ می‌دهد در مورد مکان مقدسی مانند "اورشلیم"، این پرسش مطرح می‌شود که درگیری‌های جاری چه تأثیری بر تجربه زیسته تقدس در آن دارند؟

جایگاه مقدس اورشلیم ریشه در میراث عمیق مذهبی آن دارد. با وجود تأثیر درگیری‌های مداوم بر تجربه تقدس (Tessler, 2009)، این شهر همچنان مرکز عبادت و زیارت جهانیان باقی مانده است. اورشلیم برای یهودیت، مسیحیت و اسلام مقدس است و هر دین با آن پیوندهای تاریخی و مذهبی خاصی دارد که آن را به مکانی بسیار مقدس تبدیل کرده‌اند (Hassner, 2009). بنابراین تقدس مکان‌های مذهبی مانند مساجد و کلیساها که با عوامل مذهبی و فرهنگی به رسمیت شناخته می‌شوند، امری ثابت و پذیرفته‌شده است.

از اینرو در نسبت میان "فضای مقدس" و "رفتار" می‌توان عنوان کرد، این دو مولفه دارای اثربخشی در به هم پیوستگی به یکدیگر و در عین حال اهمیت فردی در قلمرو اعمال دینی هستند. اماکن مقدس یادآور اعتقادات مذهبی هستند و بدون تأثیر مستقیم رفتار نیز اهمیت نمادین دارند؛ با این حال، می‌توانند رفتارهای انسان را به‌طور معناداری هدایت کرده و حس ارتباط با امر متعالی را تقویت کنند (Silberman, 2005). رفتارها نیز در این اماکن، عمدتاً توسط باورها، آداب و رسوم و هنجارهای خاص مرتبط با فضاهای هدایت می‌شوند، در متن فضای مقدس معنا می‌یابند و می‌توانند بر اهمیت فضا بیفزایند (Bhardwaj, 1973). از اینرو یک فضای مقدس زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که با رفتارهای مذهبی مناسب همراه شود (Chidester & Linenthal, 1995). اما رفتارها می‌توانند مستقل از فضای مقدس نیز، معنویت را شکل دهند. رفتارها، به‌ویژه رفتارهای مبتنی بر هنجار و ارزش‌های دینی، در ایجاد فضایی معنوی مؤثر است (Ammerman, 2007; Heelas, 2005). با این وجود، رابطه بین فضای مقدس و رفتار موضوعی ثابت نیست، و در زمینه‌های مختلف فرهنگی، مذهبی و فردی و به خصوص مبتنی بر جنبه‌هایی از معنویت در انسان متفاوت است (Chidester, 1995 & Linenthal). در تصویر شماره ۱، این نسبت‌ها نشان داده شده است.



تصویر شماره ۱- نسبت میان فضای مقدس و فضای معنوی با رفتار

بر اساس تصویر شماره (۱)، فضای مقدس و رفتار با یکدیگر ترکیب می‌شوند و سیستمی مذهبی و معنوی را شکل می‌دهند و تأثیرات متقابل و نقش‌های فردی خود را نمایان می‌سازند. فضاهای مقدس با رفتارهای مذهبی معنای بیشتری پیدا می‌کنند و متن فضای مقدس رفتارها را تعریف و معنا بخشد. علاوه بر این، رفتارها در ایجاد فضای معنوی و تبدیل آن به فضای مقدس مؤثر هستند.

۳-۴. تحلیل ساختاری فضای خانه از منظر مفهوم تقدس و مفهوم معنویت

خانه می‌تواند نمادی فیزیکی، هویتی و مقدس باشد و ارتباط آن با مسجد جنبه‌های مختلف زندگی مسلمانان را پیوند می‌دهد (Hakim, 1986). این ارتباط، فراتر از معماری مشترک، در زندگی روزمره بازتاب می‌یابد و مرز میان مذهب و زندگی روزمره را از بین می‌برد و حس

وحدت را تقویت می‌کند (El Guindi, 1999). خانه به عنوان فضایی مقدس، شکل صمیمی‌تری از تقدس را نمایان می‌سازد و با هنجارهای اجتماعی و مذهبی تعامل دارد و می‌تواند به غنای فرهنگی و تکثر مذهبی کمک کند (Chidester & Linenthal, 1995; Eliade, 1959).

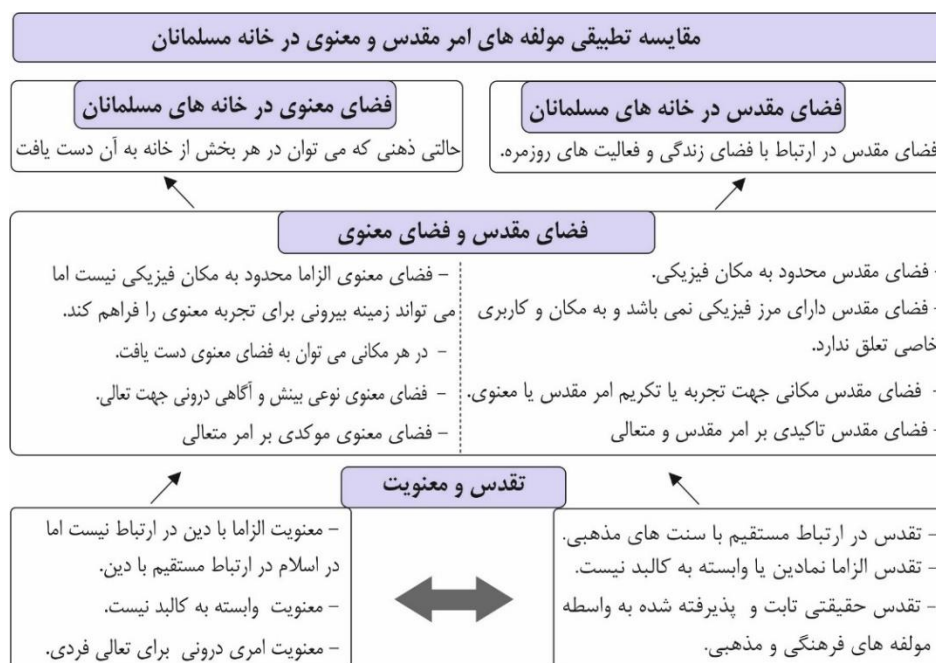
با در نظر گرفتن فرض "خانه به عنوان فضایی مقدس"، این پرسش مطرح است، که تقدس چگونه و تحت تأثیر چه عواملی در ساختار فضایی خانه تجلی می‌یابد و معنویت چه نقشی در شکل‌گیری این ساختار دارد؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها، ابتدا عوامل مؤثر در ایجاد فضای مقدس در خانه بر اساس دیدگاه‌های اندیشمندان به صورت شاخص‌هایی از جدول شماره (۲) استخراج می‌شود. سپس، شاخص‌های مرتبط با فضای مقدس و فضای معنوی، که به ترتیب از جدول شماره (۲) و (۱) به دست آمده‌اند، در تصویر شماره (۲) به طور تطبیقی مقایسه می‌شوند.

جدول شماره ۲- عوامل مؤثر در شکل‌گیری فضای خانه به عنوان مکانی مقدس از دیدگاه ساختارهای علمی-اعتقادی

مقوله اصلی	مقوله	رمز
یگانگی فضایی خلنه و اماکن مقدس به واسطه یگانگی امر قدسی و غیر قدسی در محیط برساخته	فضای درون خانه امتدادی از فضای درون اماکن مقدس	فضای داخلی خانه مسلمان، چه از نظر عبادی و چه از نظر هنری، امتدادی از فضای مسجد است (نصر، ۱۳۸۶: ۳۷۹).
	یگانگی فضایی خانه و اماکن مقدس، بازتابی از رویکرد کل‌نگر در اسلام	یکپارچگی فضایی خانه و اماکن مقدس در شهرهای سنتی اسلامی، دیدگاه کل‌نگر اسلام را منعکس می‌کند (Hakim, 1986).
	مساجد به عنوان امتداد خانه و موجب پیوند خانه به جامعه	مساجد اغلب به عنوان امتداد خانه عمل می‌کنند و پیوندهای تشکیل شده در درون خانه را به جامعه گسترش می‌دهند (Petersen, 2002).
	عدم تمایز میان امر قدسی و غیر قدسی در محیط برساخته	از نظر اسلام، هیچ تفاوت ذاتی بین فضای قدسی و غیر قدسی در محیط برساخته وجود ندارد لذا خلنه می‌تولند به عنوان عبادتگاه در نظر گرفته شود (Omer, 2009: 83).
یکسان نبودن مفاهیم و قوانین فضایی مقدس در خانه با بناهای مذهبی	یکسان نبودن مفهوم فضای مقدس در خانه با بناهای مذهبی	مفهوم فضای مقدس در خانه با مفهوم تقدس در بناهای مذهبی یکسان نیست (Dündar, 2012: 102).
	تفاوت مفاهیم و قوانین فضایی مقدس در خانه با بناهای مذهبی	مفاهیم و قوانین فضای مقدس در مکانی مانند خانه، از مسیری که در ساختار مسجد یا کلیسا حاکم است پیروی نمی‌کند (Thielmann, 2012).
تجلی بخشی از مفهوم عینی از فضای مقدس در خانه از طریق ایجاد مرز در نواحی مربوط به مناسک دینی	مفهوم فضایی مقدس در خانه‌های مسلمانان، دارای مرزهای موقت	مفهوم مکان مقدس در خانه‌های مسلمانان به واسطه مناسک آیینی و از طریق مرزبندی‌های موقتی به فضا معنا می‌دهد (Simmins, 2011: 8).
	مفهوم فضایی مقدس در خانه، محدوده‌ای موقت یا دائمی و دارای مرز جهت اجرای مناسک دینی	بخشی از مفهوم فضای مقدس در خانه‌های مسلمانان از طریق ایجاد مرز در نواحی مربوط به مناسک دینی به صورت دائمی یا موقت تجلی می‌یابد (Hendra Siwi & etc, 2020: 133).
مفهوم فضایی مقدس در خلنه در ارتباط با باورهای ساکنین و فعالیت‌های آیینی و آداب و رسوم ساکنین	مفهوم فضایی مقدس در ارتباط با باورهای ساکنین و فعالیت‌های آیینی.	مفهوم فضای مقدس در خانه در ارتباط مستقیم با آداب و رسوم و باورهای ساکنین و از طریق فعالیت‌های آیینی به آن مکان نسبت داده می‌شود (Dündar, 2012: 99-103).
	فضای مقدس در خانه در رابطه با آیین‌ها	فضای مقدس در خانه به دلیل آیین‌ها، از سایر بخش‌ها متمایز شده و نشان‌دهنده احترام به اعتقادات فرد است (Chiranthanut, 2020: 19).

مفهوم فضای مقدس در خانه در ارتباط با مفهوم فضای زندگی (Dündar, 2012: 99-103)	مفهوم فضای مقدس در خانه در ارتباط با فعالیت‌های روزانه.	مفهوم فضای مقدس در خانه در ارتباط با فعالیت‌های روزانه.
یکی از راه‌های تجلی رابطه میان خانه و مسجد از میان برداشتن مرز میان حوزه‌های مذهبی خصوصی و عمومی و مرز میان حوزه مذهبی و حوزه زندگی روزمره است (El Guindi, 1999).	انعکاس مفهوم فضای مقدس در ریتیم زندگی روزمره، مرز میان حوزه مذهبی و زندگی روزمره را از میان برمی‌دارد	مفهوم فضای مقدس در خانه در ارتباط با فعالیت‌های روزانه.
تمایز میان فضای قدسی و غیرقدسی با شیوه‌های رفتاری و استمرار آداب فضایی شکل می‌گیرد و به تدریج آن مکان را به فضایی مقدس تبدیل می‌کند (Binte Abdullah Sani, 2015).	اثر بخشی شیوه رفتار و استمرار آن در تقدس بخشی به فضا	شیوه رفتاری مبتنی بر ارزش‌های دینی و استمرار آن، موثر در تقویت تقدس در فضا (خانه)
اهمیت یک فضای مقدس با همراهی رفتارهای مذهبی مناسب افزایش می‌یابد (Chidester & Linenthal, 1995).	رفتارهای مذهبی موثر در اهمیت بخشی به فضای مقدس	
رفتارهای مبتنی بر هنجارها و ارزش‌های دینی، در تعریف ماهیت فضای مقدس مؤثر است (Silberman, 2005)	رفتارهای مبتنی بر ارزش‌های دینی مؤثر در ماهیت فضای مقدس	
یک مکان مقدس می‌تواند فضایی عادی باشد که از طریق مراسم آیینی و شیوه‌های رفتاری هویتی مقدس می‌یابد. (Kong, 2001: 218).	شیوه‌های رفتاری موثر در ایجاد مکانی مقدس	

یافته‌های جدول شماره (۲) به سه موضوع اشاره دارد؛ اول آنکه، فضای مقدس در خانه می‌تواند با توجه به عوامل مختلفی تجلی یابد که شامل آداب و رسوم ساکنین، رفتارهای مبتنی بر ارزش‌های دینی، و ادغام مذهب با فعالیت‌های روزمره است. دوم، اگر فضای مقدس در خانه مرزبندی شده باشد، با دیدگاه اسلامی که آن را مرتبط با زندگی روزانه می‌داند، در تناقض است. و سوم، قوانین و مفاهیم فضای مقدس در خانه با اماکن مذهبی تفاوت دارد. موارد مربوط به موضوعات دوم و سوم در بخش یافته‌ها تحلیل خواهند شد. در تصویر شماره (۲)، شاخص‌های به‌دست‌آمده از جداول شماره (۱) و (۲) که به مفاهیم معنویت و تقدس و ابزارهای مرتبط با تجلی آنها در فضای خانه پرداخته‌اند، به صورت تطبیقی بررسی شده‌اند. این مقایسه با بیان برخی از تفاوت‌ها و شباهت‌های این دو مولفه، در درک ارتباط متقابل میان آنها و نقششان در تجلی فضای مقدس در خانه مؤثر است.



تصویر شماره ۲- مقایسه تطبیقی مولفه‌های امر مقدس و معنوی در خانه مسلمانان

مقایسه تطبیقی عناصر مقدس و معنوی در تصویر (۲) به شناسایی ویژگی‌های هر مولفه و بررسی تاثیر متقابل آنها در تعریف خانه به عنوان مکانی برای فرد مسلمان می‌پردازد. داده‌ها نشان می‌دهند که تقدس و معنویت هر دو بر امر متعالی تأکید دارند و فضایی برای تعالی فرد در

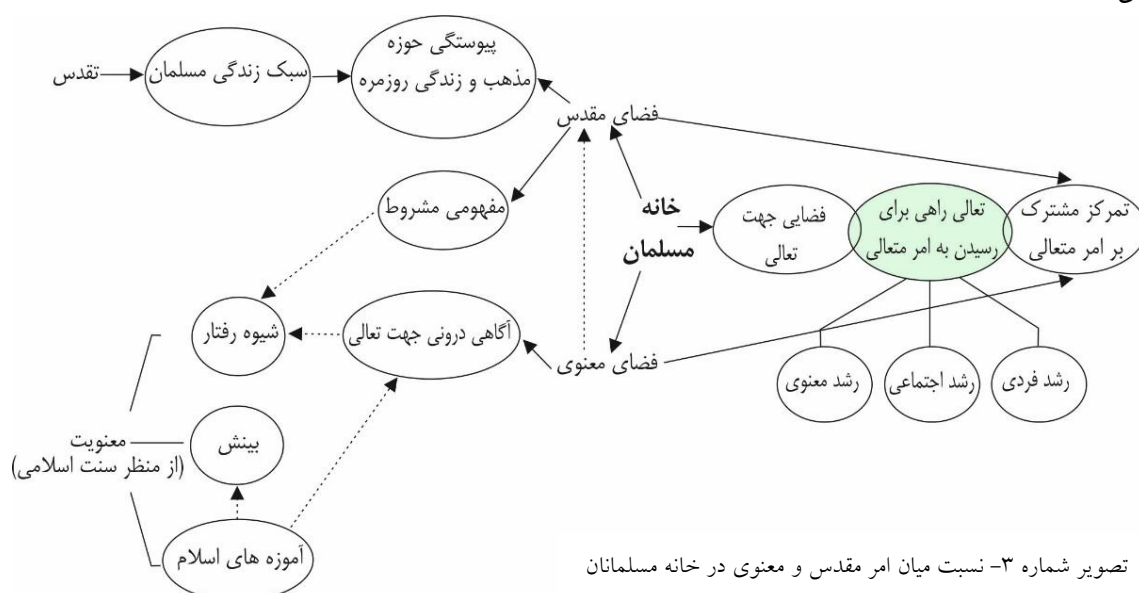
خانه ایجاد می‌کنند، مفهومی که در زندگی روزمره نقشی کلیدی دارد. حال پرسش اصلی این است که "تعالی در خانه چه مفهومی دارد و چگونه می‌توان رابطه میان تعالی و امر متعالی در خانه را توضیح داد؟"

۵- بحث و یافته‌ها

۵-۱. تحلیل معنایی فضای مقدس و فضای معنوی در خانه

تمامی نظام‌های تعلیم و تربیت و ادیان دارای یک ایده‌آل نهایی مشترک هستند و آن، نهادینه سازی میل به تعالی در انسان‌هاست (ازگلی، ۱۳۹۱: ۱۶۹). اگر تعالی را به معنای "تعقیب معنا و هدفی فراتر از خود، که در آن افراد احساس عمیقی از ارتباط با چیزی برتر از خود دارند" (Maslow, 1964) در نظر بگیریم، آنگاه امر متعالی می‌تواند فرآیندی باشد که در آن افراد برای ارتباط با این واقعیت برتر تلاش می‌کنند. اما هر تعالی لزوماً به معنای رسیدن به امر متعالی دینی نیست. خدادادی در این رابطه بیان می‌کند که تعالی می‌تواند فرآیندی عام و جدا از امر متعالی دینی باشد (خدادادی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۷). در الهیات، این رابطه اغلب از طریق عرفان و تجربه دینی تبیین می‌شود؛ برای مثال، در مسیحیت، "متعال" خداوند است که فراتر از درک بشر است و مؤمنان با اعمال متعالی به الوهیت نزدیک می‌شوند (Tillich, 1951). در ادیان شرقی، امر متعالی به عنوان واقعیتی غایی تلقی می‌شود که به افراد کمک می‌کند از مادیات فراتر روند و به وحدت با واقعیت نهایی دست یابند (Eliade, 1958). در اسلام نیز، امر متعالی یکی از ویژگی‌های اصلی تجربه دینی محسوب می‌شود (خدادادی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۷).

حال اگر بپذیریم رابطه میان تعالی و امر متعالی می‌تواند از طریق تجربه دینی به دست آید، لذا نیاز انسان به امر متعالی نیازی وجودی است، یعنی این نیاز بر ساخته ذهن و روان انسان نیست تا متعلق آن نیز ساخته ذهن باشد، بلکه نیازی ذاتی و وجودی است و در نتیجه متعلق آن نیز امری وجودی و عینی است (گیا، ۱۳۹۱، ۱۲۰-۱۲۱). بنابراین، اگر تعالی را نیازی درونی با مدلولی بیرونی بدانیم، می‌توان خانه را از دیدگاه اسلام متعلق عینی برای مفهوم تعالی در نظر گرفت؛ زیرا هدف غایی مسکن در اسلام، زمینه‌سازی برای تعالی انسان است (پورمند، ۱۳۹۴: ۸). مفهوم "خانه مسلمانان به عنوان مکانی برای تعالی" (حمزه‌نژاد، دشتی، ۱۳۹۵: ۲۵) ریشه در آموزه‌های اسلام دارد که بر ایجاد محیطی مناسب برای یادگیری، رشد معنوی، توسعه فردی و رشد اجتماعی تأکید دارد؛ جایی که آموزش ارزش‌ها و اخلاق اسلامی بخشی اساسی از رشد معنوی خانه محسوب می‌شود. تعالی همچنین مستلزم تعلیم و تربیت است که هم بر توسعه فردی و هم رشد اجتماعی تأثیرگذار است، به این معنا که فرد بتواند در سطح توانایی خود یاد بگیرد. در این راستا، کمک به فرد در کشف استعداد و ظرفیت‌های بالقوه‌اش بخشی از برنامه تعالی است (Koppman, 2008). بنابراین این طور نیست که سطحی باشد که آن را تعالی نامند و ما بتوانیم به آن برسیم (ازگلی، ۱۳۹۱: ۱۶۵). در تصویر شماره (۳) ارتباط میان فضای مقدس و معنوی در خانه و نقش آن‌ها در مفهوم تعالی، تحلیل و مشخص شده است.



تصویر شماره ۳- نسبت میان امر مقدس و معنوی در خانه مسلمانان

بر اساس پیوندهای مفهومی در تصویر شماره (۳)، معنویت به عنوان یک مفهوم درونی و بر پایه باورهای دینی، زمینه‌ساز تعالی فرد و مؤثر بر رفتار او است. این درک به فضای معنوی تبدیل می‌شود که با محدودیت فیزیکی خاصی مواجه نیست و از طریق شیوه رفتار، در هر نقطه از

خانه می‌تواند تجربه شده و حس تقدس را القا کند (Heelas, 2005؛ Knott, 2005). فضای مقدس نیز، به عنوان یک محیط فیزیکی، امکان تجربه معنوی را فراهم می‌آورد. این دو فضا، از طریق تعامل با فعالیت‌های روزمره، مرز میان دین و زندگی را از میان برداشته و با تمرکز مشترک بر امر متعالی این موضوع را تأکید دارند که خانه مسلمانان به عنوان مکانی جهت تعالی می‌تواند راهی برای رسیدن به امر متعالی باشد.

۵-۲. تفاوت‌های مفهومی فضای مقدس در خانه و اماکن مقدس مذهبی

مفاهیم و قوانین مربوط به فضای مقدس در مکانی مانند خانه، لزوماً همان مسیر ساختارهای مسجد یا کلیسا را دنبال نمی‌کنند (Thielmann, 2012). به عنوان مثال، Dündar در تحلیلی مفهومی از عبارت "فضای مقدس"، تفاوتی میان این مفهوم در فضای خانه و اماکن مذهبی مانند مساجد قائل می‌شود، اما پاسخی به دلیل این تمایز ارائه نمی‌دهد و تنها بیان می‌کند: "خانواده مقدس‌ترین مفهوم در اسلام است؛ با این حال، مفهوم فضای مقدس در خانه با تقدس موجود در بناهای مذهبی مانند مساجد یکسان نیست." طهارت خانه، با توجه به فعالیت‌های آیینی و مذهبی که در آن صورت می‌گیرد، تأیید می‌شود و این فعالیت‌ها ویژگی‌های فضایی چندبعدی را در خانه ایجاد می‌کنند (Dündar, 2012: 102). یافته‌های مقاله حاضر نشان می‌دهد که تفاوت‌های فضای مقدس در خانه و اماکن مذهبی را می‌توان در سه حوزه اصلی مشاهده کرد: ثبات و مشروط بودن، ارتباط با رفتار، و نسبت با فضای معنوی. این تفاوت‌ها در تصویر شماره (۴) به صورت یک مدل مفهومی ارائه شده‌اند.

- ثابت یا مشروط بودن فضای مقدس

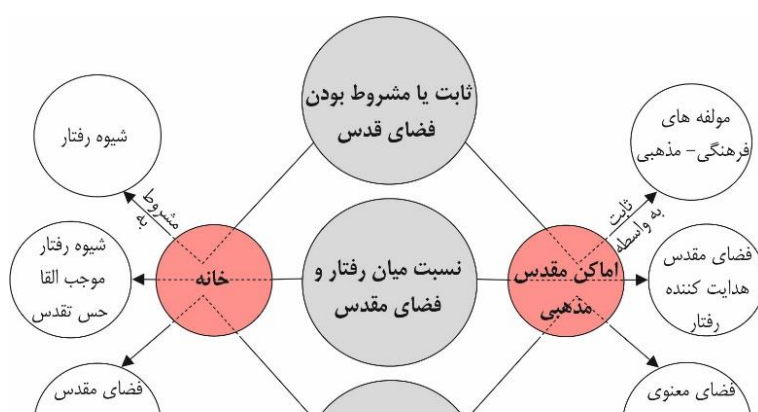
عوامل "فرهنگی-مذهبی"، "مناسک و آیین‌ها" و "شیوه‌های رفتاری" از جمله مؤلفه‌هایی هستند که می‌توانند در ایجاد فضای مقدس نقش دارند. مؤلفه‌های فرهنگی-مذهبی به قداست مکان‌های مذهبی معنا می‌بخشند؛ مناسک و آیین‌ها این تقدس را تقویت می‌کنند؛ و شیوه‌های رفتاری می‌توانند با تداوم و پابندی به ارزش‌های دینی، حتی مستقل از مکان‌های مقدس، فضایی معنوی شکل دهند. در اماکن مذهبی، تقدس "ثابت" و پذیرفته شده است، اما در فضاهایی مانند خانه، تقدس "مشروط" و وابسته به "شیوه رفتار و تداوم آداب" است.

- نسبت میان فضای مقدس و رفتار

تأثیرپذیری دو مؤلفه "فضای مقدس" و "رفتار"، که رابطه‌ای علی با یکدیگر دارند، در اماکن مقدس مذهبی و خانه عکس یکدیگر عمل می‌کنند. در اماکن مذهبی، "قداست فضا" با القای رفتارهای همسو با باورهای معنوی، رفتار را هدایت می‌کند؛ اما در خانه، "استمرار رفتار" است که با ایجاد "فضای معنوی"، حس "تقدس" را به وجود می‌آورد.

- نسبت میان فضای مقدس و فضای معنوی

یکی از عوامل تمایز بین "فضای قدسی" و "غیر قدسی"، شیوه‌های رفتاری و تداوم آداب فضایی است که به تقویت تقدس در فضا کمک می‌کند (Binte Abdullah Sani, 2015). بر این اساس، در خانه "فضای مقدس" می‌تواند نتیجه‌ی "رفتار" باشد؛ در این حالت، "فضای معنوی" به واسطه‌ی تأثیرگذاری بر شیوه‌ی رفتار به عنوان علت، و "فضای مقدس" به عنوان معلول در نظر گرفته می‌شود. اما در اماکن مقدس مذهبی، که در آن‌ها "قداست" فرض اولیه‌ی فضا و هدایت‌کننده‌ی رفتار است، "فضای مقدس" به عنوان علت و "فضای معنوی" به عنوان معلول عمل می‌کند. بنابراین، رابطه علی میان فضای مقدس و فضای معنوی در اماکن مقدس مذهبی و خانه عکس یکدیگر عمل می‌کنند.

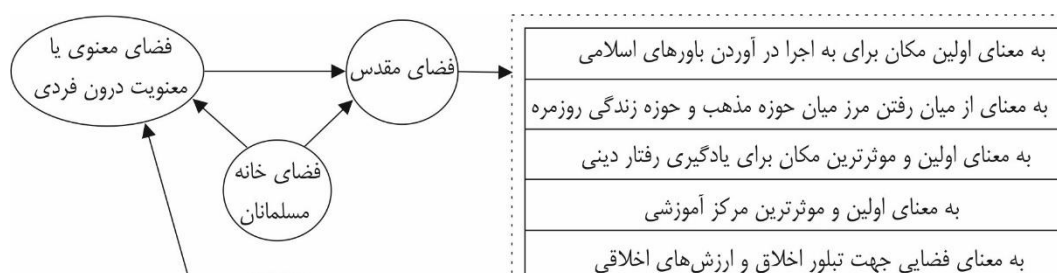


۵-۳. مفهوم فضای مقدس فراتر از مرزبندی کالبدی در خانه

در تبیین مفهوم فضای مقدس در خانه، این برداشت در شماری از منابع وجود دارد که برخی مفهوم فضای مقدس را اولاً، امری موقت تعبیر می‌کنند و ثانیاً محدوده‌ای مرزبندی شده می‌دانند؛ چنانچه Simmins، عنوان می‌کند، "بخشی از مفهوم عینی از مکان مقدس در خانه‌های مسلمانان زمانی ظاهر می‌شود که از طریق مرزبندی به مثبته فضایی مقدس تعبیر شود که این امر به طور موقت به فضایی می‌بخشد" (Simmins, 2011: 8). او مرزهای فیزیکی را با عواملی همچون "فضای سجده" و "گردش کفش‌ها در مکان"، در ارتباط می‌داند. Hendra Siwi، اضافه می‌کند "این مفهوم از فضای مقدس که از طریق ایجاد مرز در نواحی مربوط به مناسک دینی تجلی می‌یابد می‌تواند هم به صورت دائمی و هم موقت وجود داشته باشد" (Hendra Siwi & etc, 2020: 133).

در بررسی مفهوم موقتی بودن فضای مقدس در خانه، باید توجه داشت که "تقدس" مصدر باب تفاعل و به معنی پاک دانستن چیزی یا کسی از هر گونه آلودگی می‌باشد، منتها نه آلودگی به معنای نجاست بلکه آلودگی به معنای هر گونه زشتی و پلیدی. مقدس نیز اسم مفعول از باب تفعیل می‌باشد و به معنای شخص و یا شیئی است که پاک و مطهر است (طریحی، ۱۳۷۵: ۹۴). لذا تقدس در خانه نمی‌تواند بر اساس مرزبندی‌های فیزیکی سنجیده شود. همچنین با وجود تعلق فضای مقدس به مکان‌های کالبدی، این مفهوم به معنای تقسیم فضای خانه به بخش‌های قدسی و غیرقدسی نیست. چنانچه در هنر و معماری اسلامی، تفکیک این ساختار به دو ساحت دینی و غیر دینی امکان‌پذیر نمی‌باشد؛ فضای مقدس با زندگی روزمره ادغام می‌شود و مرزهای میان مذهب و زندگی روزمره را محو می‌سازد. چنانچه نصر بیان دارد معماری اسلامی از دل مسجد نشو و نما می‌کند و به فضاهای دیگر همچون خانه و بازار گسترش یافته است، به طوری که این فضاها با حفظ وحدت ساختاری به هم متصل و هماهنگ می‌شوند (نصر، ۱۳۸۶: ۳۷۹ و ۳۹۱).

مبتنی بر این دیدگاه، فضای مقدس در خانه، هنگامی که با فعالیت‌های روزمره پیوند می‌خورد، مرزها را حذف کرده و آن را در معنای زندگی تجلی دهد. این مفهوم، نهاد خانه به همراه مجموعه فعالیت‌های اجتماعی، مذهبی و آموزشی در آن را در بر می‌گیرد. همانطور که در تصویر شماره (۵) قابل مشاهده می‌باشد، فضای مقدس در خانه در عوامل مختلفی قابل تفسیر است که بازتاب سبک زندگی فرد مسلمان محسوب می‌شود.



در اینجا به برخی شواهد تجربی در ارتباط با موضوعات حاصل از این بخش اشاره داریم که به سه میحث "مرزبندی فضای مقدس در خانه"، "مفهوم تقدس و عوامل مرتبط با آن"، و "نسبت فضای مقدس و معنوی در خانه" می‌پردازد. کتاب "یک شهر اسلامی زنده: فاس و حفظ آن" حاصل تجربه‌های مستقیم بورکهارت از حضور در شهر فاس و همکاری با یونسکو در پروژه‌های حفاظتی این شهر است. او خانه‌های سنتی فاس را به عنوان فضایی مقدس بررسی کرده و به رابطه میان معماری اسلامی و معنویت در زندگی روزمره می‌پردازد.

شواهدی که از نتیجه بررسی‌های بورکهارت در ارتباط با فضای مقدس در خانه‌های فاس ارائه شده است این چالش را ایجاد می‌کند که او دو دیدگاه متفاوت درباره نحوه تجلی فضای مقدس در خانه دارد. در دیدگاه نخست، بورکهارت معتقد است فضای مقدس بستر و زمینه‌ای برای ایجاد تجربه معنوی است، و در دیدگاه دوم، بورکهارت بر این باور است که شیوه زندگی و رفتارهای دینی افراد است که به خانه تقدس می‌بخشد (Burckhardt, 1987: 34-46). دیدگاه اول که تحت عنوان "فضای کالبدی به عنوان نقطه شروع تجربه معنوی" یا "فضای کالبدی به عنوان بستر معنویت" مطرح می‌شود، سه میحث مهم یعنی "نسبت علیت میان فضای مقدس و معنوی"، "مرزبندی فضای مقدس در خانه"، و "عوامل مؤثر در تجلی تقدس در خانه" را به چالش می‌کشد و می‌تواند به مفاهیم متناقضی منجر شود. در جدول شماره (۳)، شواهد و تناقض‌های مفهومی از تحلیل این سه موضوع ارائه و پس از توضیحات لازم، مورد تفسیر و استدلال قرار خواهند گرفت.

جدول شماره ۳- قرائن و شواهدی از مفهوم فضای مقدس در خانه

شواهد	مسئله
بورکهارت خانه‌های سنتی فاس را فضایی مقدس می‌داند که برای زندگی مادی و مناسک مذهبی طراحی شده‌اند و محراب‌های خانگی را به عنوان مکان‌هایی برای عبادت معرفی می‌کند که معنویت روزمره مردم را تقویت می‌کنند. او به تفاوت میان فضاهای عمومی و خصوصی اشاره کرده و بیان می‌کند که فضاهای خصوصی برای انجام مناسک مذهبی و تأملات شخصی در نظر گرفته شده و با معنویت اسلامی مرتبط هستند (Burckhardt, 1987: 34).	مرزبندی فضای مقدس در خانه
بورکهارت فضای مقدس و معنوی در خانه‌های سنتی فاس را با عناصر فیزیکی مانند محراب‌های خانگی و حیاط‌های مرکزی معرفی می‌کند که به معنویت خانواده‌ها کمک می‌کنند (Burckhardt, 1987: 34).	تقدس در خانه و عوامل مرتبط با آن
بورکهارت فضای مقدس را بستر مناسبی برای تجربه معنوی می‌داند. او به محراب‌های خانگی به عنوان نقاط تمرکز معنوی اشاره می‌کند که ساکنان را به تفکر عمیق‌تر و ارتباط با امر متعالی هدایت می‌کند (Burckhardt, 1987: 34).	نسبت فضای مقدس و معنوی در خانه

در توضیح هر یک از شواهد جدول شماره (۳)، سه نکته کلیدی به ترتیب زیر مطرح می‌شود:

۱- بورکهارت به طور مشخص، با تفکیک فضاهای خانه تحت عنوان "فضای عمومی و خصوصی"، بخش‌هایی از خانه را که به انجام مناسک مذهبی و تأملات شخصی اختصاص دارند، از سایر فضاها تفکیک کرده و آن را "فضاهای مقدس" می‌نامد.

۲- بورکهارت بر نقش معماری در تقویت معنویت تأکید دارد، اما به تناقض موجود در تجربه معنویت درون فردی بدون نیاز به فضاهای فیزیکی اشاره‌ای نمی‌کند. این در حالی است که تقدس بیشتر با تجربه درونی فرد مرتبط است تا با فضای فیزیکی.

۳- بورکهارت معتقد است که فضای مقدس به عنوان بستری برای ایجاد و تقویت معنویت عمل می‌کند.

این تناقض در مفاهیم بورکهارت ممکن است از دو رویکرد متفاوت او به فضای مقدس و معنوی ناشی شود؛ چرا که در برخی موارد، او فضای فیزیکی را به عنوان بستری برای تجربه معنوی معرفی می‌کند، در حالی که در مواقع دیگر بر این نکته تأکید دارد که معنویت درونی مستقل از فضاهای فیزیکی قابل تجربه است. برای رفع این تناقض، می‌توان این دو دیدگاه را به عنوان مکمل یکدیگر در نظر گرفت. بورکهارت بر این باور است که فضای فیزیکی و معنویت درونی می‌توانند به طور هم‌زمان و متقابل یکدیگر را تقویت کنند. با این حال، شرط اصلی برای تجلی فضای مقدس در خانه، معنویت درونی است و نه صرفاً حضور نمادهای فیزیکی مقدس. نمادهای کالبدی فضای مقدس تنها به عنوان تسهیل کننده عمل می‌کنند و معنویت حقیقی از درون فرد نشأت می‌گیرد.

نتیجه گیری

در جمع‌بندی مقاله حاضر نظرات متفاوتی وجود دارد. این نظرات از دیدگاه‌های مختلف مطرح شده و ممکن است نظرات جدید دیگری را نیز مطرح نماید. از جمله، برخی دیدگاه‌ها درباره مفهوم تقدس در خانه را می‌توان در سه محور "منشأ تقدس"، "رابطه میان رفتار و فضای مقدس"، و "نسبت مفهومی فضای مقدس و فضای معنوی" مطرح کرد که چنین بیان می‌کنند:

۱- مفهوم تقدس و فضای مقدس در اسلام، مفهومی عمیق و مشخص است که مبانی و منابع آن در قرآن و احادیث معصومین به طور کامل تبیین شده است. از آنجا که اسلام تنها دینی است که بر اساس قرآن و سنت معصومین به طور کامل حفظ شده است، مفهوم تقدس به طور جامع و مانع تنها از دیدگاه اسلام قابل تعریف است- این مطالعات نیازمند انجام تحقیقات بیشتری است که می‌تواند در قالب مقالات جدید مورد بررسی قرار گیرد.

۲- امر قدسی، امری جبری و وابسته به مکان نیست و فرقی در فضاهای با موضوع مذهبی و خانه ندارد. به طوری که فضای مقدس مذهبی ثابت نیست و وابسته به رفتار انسان است و مکان، چه عبادتگاه و چه خانه، مستقل از تعامل انسان با آنها فاقد قدسیت و معناست.

۳- فضای مقدس و فضای معنوی دارای مفاهیم متمایز نیستند. هر دو مکان هستند و با حضور انسان و مبتنی بر تعاملات انسان، معنای مثبت یا منفی پیدا می‌کنند.

از دیدگاه این مقاله، مفهوم تقدس در خانه مسلمانان -که از دیدگاه‌های مختلفی قابل بررسی است- از سه جنبه مورد مطالعه قرار گرفته است، اول آنکه چرا خانه می‌تواند به مانند فضایی مقدس باشد و چه عواملی به خانه تقدس می‌بخشد؟ دوم، اگر این فرض وجود داشته باشد که خانه فضایی مقدس است آنگاه چه تفاوت‌هایی در مفهوم تقدس در خانه با اماکن مقدس مذهبی وجود دارد؟ و سوم چه نسبتی میان فضای مقدس با فضای معنوی به عنوان مفاهیمی که به شکل معادل به کار می‌روند، برقرار است و این دو مقوله چگونه رابطه میان تعالی و امر متعالی را در خانه ایجاد می‌کنند؟ نتایج مقاله در پاسخ به سوالات مطرح در سه بخش عنوان گردیده:

۱- خانه به عنوان امتداد فضای مسجد، مکانی برای آموزش اسلامی و تربیت فردی و اجتماعی است. این فضا با حذف مرز میان مذهب و زندگی روزمره، به زندگی قداست می‌بخشد و خانه را به فضایی مقدس تبدیل می‌کند. این هم‌پیوندی میان خانه و اماکن مقدس، با سبک زندگی و رفتار فرد مسلمان هماهنگ است.

۲- اگر چه خانه می‌تواند به مانند فضایی مقدس عمل کند، اما مفاهیم فضای مقدس در خانه، تماماً از مسیری که در ساختار اماکن مقدس حاکم است پیروی نمی‌کند. این تفاوت در مقاله حاضر در سه حوزه مشخص گردیده است؛ اولین موضوع "ثابت" و "مشروط" بودن فضای مقدس است، در اماکن مقدس مذهبی، فضای مقدس به واسطه عوامل "فرهنگی و مذهبی" امری پذیرفته شده و "ثابت" است، اما در خانه فضای مقدس "مشروط" به "شیوه رفتار" و استمرار آن است. دوم نسبت میان فضای مقدس و رفتار است؛ که در اماکن مذهبی و خانه تاثیر پذیری این دو مولفه از هم عکس یکدیگر می‌باشد، یعنی در اماکن مقدس مذهبی، "قداست فضا"، "رفتار" را هدایت می‌کند، اما در "خانه"، فضای معنوی به واسطه شیوه رفتار حس تقدس را القاء می‌کند. و سوم نسبت علی میان فضای مقدس و فضای معنوی است، در اماکن مقدس مذهبی که، "قداست" پیش فرض فضا و هدایت کننده رفتار است فضای مقدس علت و فضای معنوی در نتیجه آداب فضایی معلول آن است؛ در حالی که در خانه "فضای معنوی" علت و "فضای مقدس" به شرط شیوه رفتار معلول می‌باشد. اما تناقضی که در ارتباط با موضوع مطرح در برخی از دیدگاه‌ها از جمله بورکهارت قابل اشاره می‌باشد آن است که او با اطلاق فضای مقدس به فضاهای تفکیک شده خصوصی در خانه، علیرغم آنکه آن را نشان دهنده اهمیت دین در زندگی روزمره می‌داند اما تجلی فضای مقدس را به طور مشخص در انجام مناسک دینی و دارای مرز می‌بیند؛ مضافاً، در این دیدگاه، فضای مقدس بستر و زمینه‌ای برای ایجاد تجربه معنوی قلمداد می‌شود. با این حال، او در تناقضی آشکار، تأکید می‌کند که معنویت درونی مستقل از فضاهای فیزیکی نیز قابل تجربه است. اگر چه این دو رویکرد متناقض بورکهارت در ارتباط با مولفه‌های، فضای فیزیکی و معنویت درونی می‌توانند به طور متقابل یکدیگر را تقویت کنند، اما تأکید اصلی بر این است که معنویت درونی شرط لازم برای تجلی تقدس در خانه است. فضاهای فیزیکی مقدس تنها به عنوان تسهیل کننده عمل می‌کنند و معنویت حقیقی از درون فرد ناشی می‌شود.

۳- در خانه مسلمانان، "فضای مقدس" و "فضای معنوی" با وجود نقش‌های متفاوتشان در ارتباط با یکدیگر، به تسهیل تجربه‌ای تعالی بخش می‌پردازند. معنویت محدود به دینداری نیست و می‌تواند به صورت مستقل وجود داشته باشد، اما در اسلام معمولاً با اعمال دینی هم‌سواست. فضای معنوی در تمام زندگی روزمره جاری است و از مرزهای فیزیکی فراتر می‌رود، در حالی که فضای مقدس به عنوان مکانی فیزیکی برای عبادات، زمینه‌ای برای رشد فردی و اتصال به امر الهی فراهم می‌آورد. این هم‌افزایی، خانه را به مکانی برای دستیابی به تعالی و نزدیک شدن به امر متعالی تبدیل می‌کند. لذا هر چند مفهوم تعالی در خلنه چیزی بیش از یک رابطه علت و معلولی در امور می‌باشد، اما اگر خانه در اسلام فضایی مقدس و مکانی است که زمینه را برای دستیابی به رشد و تعالی فرد فراهم آورد و از سویی تمرکز مشترک فضای مقدس و فضای معنوی تأکید بر امر متعالی باشد لذا خانه مسلمانان به عنوان مکانی جهت تعالی می‌تواند راهی برای رسیدن به امر متعالی باشد.

منابع فارسی:

۱. ازگلی، م، ۱۳۹۱. درآمدی بر گونه شناسی و تعریف تعالی منابع انسانی در برخی از مکتب های بشری، فصلنامه پژوهش های مدیریت منابع انسانی دانشگاه امام حسین (ع)، تهران.
۲. پورمند، ح، طباطبایی، ف، ۱۳۹۴. الگوی پنهان حاکم بر نظام استقرار فضایی در مسکن ایرانی-اسلامی (بررسی موردی خانه رسولیان یزد)، فصلنامه پژوهش های معماری اسلامی.
۳. حمزه نژاد، م، دشتی، م، ۱۳۹۵، بررسی خانه های سنتی ایرانی از منظر پدیدارشناسان و سنت گرایان معنوی، نقش جهان.
۴. حمیدیه، ب، ۱۳۹۶، نسبت مفهومی معنویت و دین، پژوهشنامه ادیان، شماره ۲۲.
۵. خدادادی، ح، خدری، ح، صادقی، ا، رضایی، م، ۱۴۰۱، عینیت امر متعالی بر پایه دو مولفه نیاز درونی و تجربه بیرونی در اندیشه نورمن گیسلر، پژوهشنامه فلسفه دین.
۶. طریحی، ف، ۱۳۷۵، مجمع البحرين، انتشارات مرتضوی، تهران، ج ۴.
۷. گیسلر، ن، ۱۳۹۱، فلسفه دین، ترجمه حمید رضا آیت اللهی، انتشارات فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران.
۸. نصر، ح، ۱۳۸۶. اسلام سنتی در دنیای متجدد، ترجمه محمد صالحی، دفتر پژوهش و نشر سهروردی، تهران.
۹. -----، ۱۳۸۹. هنر و معنویت اسلامی، ترجمه وحید قاسمیان، حکمت، تهران.

منابع لاتین:

1. Ammerman, N. T. 2007. *Everyday Religion: Observing Modern Religious Lives*. Oxford: Oxford Scholarship Online.
2. Ammerman, N. T. 2014. *Spiritual but Not Religious? Beyond Binary Choices in the Study of Religion*. Journal for the Scientific Study of Religion. 52 (2): [page range].
3. Bhardwaj, S. M. 1973. *Hindu Places of Pilgrimage in India: A Study in Cultural Geography*. Berkeley: University of California Press.
4. Binte Abdullah Sani, H. 2015. *Corporeal Poetics of Sacred Space: An Ethnography of Jum'ah in a Chapel*. Space & Culture. 18: 298–310.
5. Burckhardt, T. 1987. *A Living Islamic City: Fez and Its Preservation*. London: Islamic Texts Society.
6. Chidester, D. and Linenthal, E. T. 1995. *American Sacred Space*. Bloomington: Indiana University Press.
7. Chiranthanut, C. 2020. *Inherent Wisdoms and the Roles of Sacred Spaces in Spatial Organization of Vernacular Houses*. Paper presented at the International Conference, Valencia, Spain, 9–12.
8. Durkheim, É. 1912. *The Elementary Forms of Religious Life*. Glencoe, IL: The Free Press.
9. Dündar, M. 2012. *Concept of 'Sacred Space' in Traditional Turkish Architecture*. Paper presented at the 2nd International Conference on Archi-Cultural Translations through the Silk Road, Mukogawa Women's University. Nishinomiya. Japan.
10. Gross, Z. 2006. *Spirituality, Contemporary Approaches to Defining*. In Encyclopedia of Religious and Spiritual Development. Edited by Elizabeth M. Dowling and W. George Scarlett, 315–317. London: Sage Publications.
11. El Guindi, F. 1999. *Veil: Modesty, Privacy and Resistance*. London: Bloomsbury Academic.
12. Eliade, M. 1959. *The Sacred and the Profane: The Nature of Religion*. New York: Harcourt, Brace & World.
13. Eliade, M. 1958. *Yoga: Immortality and Freedom*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
14. Hakim, B. S. 1986. *Arabic-Islamic Cities: Building and Planning Principles*. London: KPI.
15. Hassner, R. E. 2009. *War on Sacred Grounds*. Ithaca, NY: Cornell University Press.
16. Heelas, P. 2005. *The Spiritual Revolution: Why religion is giving way to spirituality*. Oxford: Blackwell Publishing.
17. Siwi, H., 2020. *Preserving social sustainability through the demarcation of sacred spaces in Muslim homes*. pp. 133-143.
18. Hill, P. C., et al. 2000. *Conceptualizing Religion and Spirituality: Points of Commonality, Points of Departure*. Journal for the Theory of Social Behavior.
19. Jung, C. G. 1964. *Man and His Symbols*. New York: Doubleday.
20. Jones, L. 2020. *Organized Religion and Individual Spirituality: A Study of Dichotomy*. International Journal of Religious Studies. 34 (2).

21. Johnson, L. 2019. *The Role of Rituals in Islamic Spirituality*. Islamic Culture Journal.
22. Koppman, P. 2008. *Excellence: What Is It? Whose Job Is It?* IRA, ARF Cosponsored Session. Yearbook of the American Reading Forum.
23. Knott, K. 2005. *The Location of Religion: A Spatial Analysis*. Sheffield: Equinox.
24. Kong, L. 2001. *Mapping 'New' Geographies of Religion: Politics and Poetics in Modernity*. Progress in Human Geography. 25: [page range].
25. Lamont, M., and Molnár, V. 2002. *The Study of Boundaries in the Social Sciences*. Annual Review of Sociology 28 (1): [page range].
26. Lewis, E. 2004. *Posture as a Metaphor for Biblical Spirituality*. In *The Destructive Power of Religion: Violence in Judaism, Christianity and Islam*. edited by J. Ellens, vol. 4, 213–226. Westport, CT: Greenwood Press.
27. Maslow, A. H. 1964. *Religions, Values, and Peak Experiences*. Columbus, OH: Ohio State University Press.
28. V cf- Mazumdar, S., and Mazumdar, S. 2004. *Religion and Place Attachment: A Study of Sacred Places*. Journal of Environmental Psychology. 24 (3): [page range].
29. Mazumdar, S., and Mazumdar, S. 1993. *Sacred Space and Place Attachment*. Environmental Sociology.
30. Mohd Amin, W. M. A., Ahmad, M., and Abdul Rahim, A. 2018. *Islamic Spirituality and Its Impact on Life as a Muslim*. AL-ITQAN: Journal of Islamic Sciences and Comparative Studies. 2 (1): [page range].
31. Nelson, James M. 2009. *Psychology, Religion and Spirituality*. New York: Springer.
32. Omer, Spahic. 2009. *Some Lessons from the Holy Qur'an on Housing*. Al-Shajarah. 14 (1): [page range].
33. Petersen, A. 2002. *Dictionary of Islamic Architecture*. London: Routledge.
34. Roehlkepartain, E., Benson, P., King, P., and Wagener, L. 2006. *Spiritual Development in Childhood and Adolescence: Moving to the Scientific Mainstream*. In *The Handbook of Spiritual Development in Childhood and Adolescence*. Edited by E. Roehlkepartain, P. King, L. Wagener, and P. Benson, 35–47. Thousand Oaks, CA: Sage.
35. Roof, W. C. 1999. *Spiritual Marketplace: Baby Boomers and the Remaking of American Religion*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
36. Selengut, C. 1996. *Sacred Fury: Understanding Religious Violence*. Lanham, MD: Rowman Altamira.
37. Schneiders, S. M. 1998. *The Study of Christian Spirituality: Contours and Dynamics of a Discipline*. Christian Spirituality Bulletin. 6 (1).
38. Sheldrake, P. 2007. *A Brief History of Spirituality*. Malden, MA: Wiley-Blackwell.
39. Silberman, I. 2005. *Religion as a Cultural System: The Interplay between Religion and Society*. Anthropological Quarterly. 78 (2).
40. Smith, J., and Roeser, R. 2019. *Spirituality, Religion, and Positive Youth Development*. Adolescent Research Review. 4 (1).
41. Takahashi, M., and Ide, S. 2003. *Implicit Theories of Spirituality across Three Generations: A Crosscultural Comparison in the U.S. and Japan*. Journal of Religious Gerontology. 15 (4)..
42. Thielmann, J. 2012. *Competing Space, Contested Places: Muslim Struggles for Place, Space, and Recognition at a German University*. In *Prayer in the City: The Making of Muslim Sacred Places and Urban Life*. Edited by P. A. Despalt and D. E. Schulz, 213–227. London: Transaction.
43. Tillich, P. 1951. *Systematic Theology*. Vol. 1. Chicago: University of Chicago Press.
44. Tuan, Y.-F. 1976. *Space and Place: The Perspective of Experience*. Minneapolis: University of Minnesota Press.
45. Tessler, M. 2009. *A History of the Israeli-Palestinian Conflict*. Bloomington, IN: Indiana University Press.
46. Turner, V. 1969. *The Ritual Process: Structure and Anti-Structure*. London: Aldine Transaction.

1. Ammerman, N. T. 2007. *Everyday Religion: Observing Modern Religious Lives*. Oxford: Oxford Scholarship Online.
2. Ammerman, N. T. 2014. *Spiritual but Not Religious? Beyond Binary Choices in the Study of Religion*. Journal for the Scientific Study of Religion. 52 (2): [page range].
3. Bhardwaj, S. M. 1973. *Hindu Places of Pilgrimage in India: A Study in Cultural Geography*. Berkeley: University of California Press.
4. Binte Abdullah Sani, H. 2015. *Corporeal Poetics of Sacred Space: An Ethnography of Jum'ah in a Chapel*. Space & Culture. 18: 298–310.
5. Burckhardt, T. 1987. *A Living Islamic City: Fez and Its Preservation*. London: Islamic Texts Society.
6. Chidester, D. and Linenthal, E. T. 1995. *American Sacred Space*. Bloomington: Indiana University Press.
7. Chiranthanut, C. 2020. *Inherent Wisdoms and the Roles of Sacred Spaces in Spatial Organization of Vernacular Houses*. Paper presented at the International Conference, Valencia, Spain, 9–12.
8. Durkheim, É. 1912. *The Elementary Forms of Religious Life*. Glencoe, IL: The Free Press.
9. Dündar, M. 2012. *Concept of 'Sacred Space' in Traditional Turkish Architecture*. Paper presented at the 2nd International Conference on Archi-Cultural Translations through the Silk Road, Mukogawa Women's University. Nishinomiya. Japan.
10. Geisler, N. 2012. *Philosophy of Religion*. Grand Rapids, MI: Baker Academic.
11. Gross, Z. 2006. *Spirituality, Contemporary Approaches to Defining*. In Encyclopedia of Religious and Spiritual Development. Edited by Elizabeth M. Dowling and W. George Scarlett, 315–317. London: Sage Publications.
12. El Guindi, F. 1999. *Veil: Modesty, Privacy and Resistance*. London: Bloomsbury Academic.
13. Eliade, M. 1959. *The Sacred and the Profane: The Nature of Religion*. New York: Harcourt, Brace & World.
14. Eliade, M. 1958. *Yoga: Immortality and Freedom*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
15. Hakim, B. S. 1986. *Arabic-Islamic Cities: Building and Planning Principles*. London: KPI.
16. Hamidieh, B., 2017, Conceptual relationship between spirituality and religion, Journal of Religions.
17. Hamzenejad M, Dashti M. (2016), Iranian traditional houses from the perspective of phenomenologists and moral traditionalists. Naqshejahan.
18. Hassner, R. E. 2009. *War on Sacred Grounds*. Ithaca, NY: Cornell University Press.
19. Heelas, P. 2005. *The Spiritual Revolution: Why religion is giving way to spirituality*. Oxford: Blackwell Publishing.
20. Siwi, H., 2020. *Preserving social sustainability through the demarcation of sacred spaces in Muslim homes*. pp. 133-143.
21. Hill, P. C., et al. 2000. *Conceptualizing Religion and Spirituality: Points of Commonality, Points of Departure*. Journal for the Theory of Social Behavior.
22. Jung, C. G. 1964. *Man and His Symbols*. New York: Doubleday.
23. Jones, L. 2020. *Organized Religion and Individual Spirituality: A Study of Dichotomy*. International Journal of Religious Studies. 34 (2).
24. Johnson, L. 2019. *The Role of Rituals in Islamic Spirituality*. Islamic Culture Journal.
25. Khodadadi, H, Khedri, G, Sadeghi, A, Rezaei, M, 2021, The Objectivity of the “Transcendent” Based on the Two Components of “Inner Need” and “External Experience” in the Thought of Norman L. Geisler, Philosophy of Religion Research.
26. Koppman, P. 2008. *Excellence: What Is It? Whose Job Is It?* IRA, ARF Cosponsored Session. Yearbook of the American Reading Forum.
27. Knott, K. 2005. *The Location of Religion: A Spatial Analysis*. Sheffield: Equinox.
28. Kong, L. 2001. *Mapping 'New' Geographies of Religion: Politics and Poetics in Modernity*. Progress in Human Geography. 25: [page range].
29. Lamont, M., and Molnár, V. 2002. *The Study of Boundaries in the Social Sciences*. Annual Review of Sociology 28 (1): [page range].
30. Lewis, E. 2004. *Posture as a Metaphor for Biblical Spirituality*. In The Destructive Power of Religion: Violence in Judaism, Christianity and Islam. edited by J. Ellens, vol. 4, 213–226. Westport, CT: Greenwood Press.
31. Maslow, A. H. 1964. *Religions, Values, and Peak Experiences*. Columbus, OH: Ohio State University Press.
32. V cf- Mazumdar, S., and Mazumdar, S. 2004. *Religion and Place Attachment: A Study of Sacred Places*. Journal of Environmental Psychology. 24 (3): [page range].
33. Mazumdar, S., and Mazumdar, S. 1993. *Sacred Space and Place Attachment*. Environmental Sociology.

34. Mohd Amin, W. M. A., Ahmad, M., and Abdul Rahim, A. 2018. *Islamic Spirituality and Its Impact on Life as a Muslim*. AL-ITQAN: Journal of Islamic Sciences and Comparative Studies. 2 (1): [page range].
35. Nasr, H. 2007. *Traditional Islam in the Modern World*. London: Kegan Paul International.
36. Nasr, H. 2010. *Islamic Art and Spirituality*. Cambridge: Islamic Texts Society
37. Nelson, James M. 2009. *Psychology, Religion and Spirituality*. New York: Springer.
38. Omer, Spahic. 2009. *Some Lessons from the Holy Qur'an on Housing*. Al-Shajarah. 14 (1): [page range].
39. Ozgholi, M. 2012. *An Introduction to the Typology and Definition of Human Resource Excellence in Some Humanistic Schools* Tehran: Human Resource Management Research.
40. Petersen, A. 2002. *Dictionary of Islamic Architecture*. London: Routledge.
41. Pourmand, H, Tabatabaei, F. (2016). The Latent Pattern of Spatial Arrangement in Iranian-Islamic Houses, (Case study of Rasoulia House, Yazd). JRIA.
42. Roehlkepartain, E., Benson, P., King, P., and Wagener, L. 2006. *Spiritual Development in Childhood and Adolescence: Moving to the Scientific Mainstream*. In *The Handbook of Spiritual Development in Childhood and Adolescence*. Edited by E. Roehlkepartain, P. King, L. Wagener, and P. Benson, 35–47. Thousand Oaks, CA: Sage.
43. Roof, W. C. 1999. *Spiritual Marketplace: Baby Boomers and the Remaking of American Religion*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
44. Selengut, C. 1996. *Sacred Fury: Understanding Religious Violence*. Lanham, MD: Rowman Altamira.
45. Schneiders, S. M. 1998. *The Study of Christian Spirituality: Contours and Dynamics of a Discipline*. *Christian Spirituality Bulletin*. 6 (1).
46. Sheldrake, P. 2007. *A Brief History of Spirituality*. Malden, MA: Wiley-Blackwell.
47. Silberman, I. 2005. *Religion as a Cultural System: The Interplay between Religion and Society*. *Anthropological Quarterly*. 78 (2).
48. Smith, J., and Roeser, R. 2019. *Spirituality, Religion, and Positive Youth Development*. *Adolescent Research Review*. 4 (1).
49. Takahashi, M., and Ide, S. 2003. *Implicit Theories of Spirituality across Three Generations: A Crosscultural Comparison in the U.S. and Japan*. *Journal of Religious Gerontology*. 15 (4).
50. Tarehi, F. 1996. *Majma' al-Bahrain*. Vol. 4. Tehran: Mortezaei.
51. Thielmann, J. 2012. *Competing Space, Contested Places: Muslim Struggles for Place, Space, and Recognition at a German University*. In *Prayer in the City: The Making of Muslim Sacred Places and Urban Life*. Edited by P. A. Despat and D. E. Schulz, 213–227. London: Transaction.
52. Tillich, P. 1951. *Systematic Theology*. Vol. 1. Chicago: University of Chicago Press.
53. Tuan, Y.-F. 1976. *Space and Place: The Perspective of Experience*. Minneapolis: University of Minnesota Press.
54. Tessler, M. 2009. *A History of the Israeli-Palestinian Conflict*. Bloomington, IN: Indiana University Press.
55. Turner, V. 1969. *The Ritual Process: Structure and Anti-Structure*. London: Aldine Transaction.

Semantic Analysis of Sacred Space and Spiritual Space in the Muslim Home from the Perspective of Islam

Farnoosh Ghaffari*

Email: farnooshghaffari@yahoo.com

Hafezeh poordehghan**

Email: hpoordehghan@qiau.ac.ir

Esmail Shieh***

Email: es_shieh@iust.ac.ir

Seyyed Hossein Nasr****

Email: shnasr@gwu.edu

Mehdi Khakzand*****

Email: mkhakzand@iust.ac.ir

* Ph.D. Student, Department of Architecture, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin. Iran.

** Assistant Professor, Department of Architecture, Qazvin Branch, Islamic Azad University, Qazvin, Iran.

*** Associate Professor, School of Architecture and Urban Studies, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran.

**** Professor, Department of Religion, George Washington University, Washington, D.C., USA.

***** Associate Professor, School of Architecture and Urban Studies, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran. (Corresponding author)

Semantic Analysis of Sacred Space and Spiritual Space in the Muslim Home from the Perspective of Islam

Abstract

The concept of sanctity extends beyond the sacred elements that are formally recognized. Many sacred spaces are not solely used for worship, thus there is a need to understand the diversity of sacred spaces, including in terms of how they are used. From the perspective of many religions and traditional practices, including Islam, there is no inherent difference in the environment between the sacred and the non-sacred; thus, the home can be conceptualized as a space that functions like a sacred space. Moreover, the shared focus of sacred space and spiritual space on the transcendent has led to these terms sometimes being used interchangeably or in place of one another in literary concepts. However, sacred space and spiritual space involve distinct concepts, which necessitates an examination of the semantic positioning of each term and the relationship between them when understanding the concept of sanctity in the home. This article addresses two key issues to clarify the concept of "sacred space" in Muslim homes. First, although from an Islamic perspective sacred space is a concept not limited to religious places, what differences might exist between the concept of sacred space in religious sacred places and the concept of sacred space in the home? Second, although "sacred space" and "spiritual space" are complementary terms, they have distinct meanings. Thus, the question arises: what is the conceptual relationship between sacred space and spiritual space in Muslim homes? This article adopts a qualitative approach based on an interpretive-historical method. The data, based on documentation, interpretive discussions, examples, and note-taking, were collected and analyzed using inductive reasoning. Evidence related to the topic is examined, and after interpretation, the results are reasoned, ultimately leading to specific conclusions. The results of this article demonstrate that sacred space in the home and religious sacred places follow different concepts and rules, some of which are visible in the differences between "fixed and conditional sacred space," "the relationship between sacred space and behavior," and "the relationship between sacred space and spiritual space." Additionally, sacred space and spiritual space in the home have a causal relationship, in which spiritual space serves as the prerequisite for sacred space, and sacred space is the outcome of behavior that manifests through individual inner spirituality.

Keywords: Sacred Space, Spiritual Space, Muslim Homes